**میزگرد انترناسیونال**

**ایران در سالی که گذشت**

**انترناسیونال**: در سال گذشته حکومت اسلامی با یک چرخش سیاسی چشمگیر و در پی کشمکشهای بسیار سیاست مذاکرات با ۱+ ۵ را به سرانجام رساند. در نگاهی به گذشته : چه ضرورتهایی دو طرف این توافق را به این نقطه سازش سوق دادند؟ مناسبات جمهوری اسلامی با دنیای غرب بعد از این توافق دستخوش چه تغییراتی خواهد شد؟ چگونه با توهمات ایجاد شده پیرامون این توافق باید برخورد کرد؟

**علی جوادی:** دستیابی به توافق سیاسی میان حکومت اسلامی و کشورهای ۱+۵ همانطور که اشاره کردید یک تحول سیاسی چشمگیر در تحولات سیاسی سال گذشته بود. دستیابی به این توافق حاصل چرخشهای سیاسی روشنی در هر در سوی این معادله سیاسی بود.

حکومت اسلامی و خامنه ای مشخصا این چرخش سیاسی را با فورمول "نرمش قهرمانانه" بیان کردند. راه دیگری هم ممکن نبود. هرگونه تماس ممتد و آشکاری تنها میتوانست با مجوز راس حکومت اسلامی صورت پذیرد. در غیر این صورت هرگونه "ابتکار جناحی" و بدون توافق اصولی جناح راست منجر به یک کودتای جناحی می شد. حکومت اسلامی و مشخصا جناح راست در انتهای دوران احمدی نژاد به این نتیجه رسیدند که سیاستهای تاکنونی حکومت اسلامی میتواند خطر جنگ را به یک احتمال واقعی تبدیل کند. نتیجتا باید تغییر ریل میدانند و این چرخش سیاسی را مبتذلانه "نرمش قهرمانه" نام نهادند.

برخلاف دوران خاتمی که حکومت اسلامی سیاست "تنش زدایی" را در سطح بین المللی دنبال میکرد و سعی میکرد با غرب "گفتگوی تمدنها" بکند٬ سیاست خارجی دوران احمدی نژاد تماما در نقطه مقابل قرار داشت. "تنش زایی"٬ تبلیغات کور یهود ستیزی٬ علاوه بر سیاستهای همیشگی ضد آمریکایی گری و ضد تمدن غربی٬ سیاستهایی بودند که در این دورن دنبال میشدند. این سیاست علیرغم موفقیت های اولیه اش بسرعت تقابل دو قطب تروریستی جهان معاصر را به واقعیت نزدیک میکرد. حکومت اسلامی علیرغم تبلیغات کور ضد آمریکایی اش هرگز خواستار چنین تقابلی نبوده و نیست. اما چند دهه دمیدن در این باد تنها با نوشیدن جام زهری توسط خامنه ای ممکن بود. به این وضعیت باید تاثیر تحریمهای اقتصادی بر موقعیت رژیم اسلامی را نیز افزود. سیاست ضد انسانی تحریم اقتصادی علاوه بر تاثیرات مخربش بر زندگی مردم در ایران٬ تاثیرات خرد کننده ای بر موقعیت مالی رژیم اسلامی داشت.

خلاصه کنم آنچه که دستیابی به یک توافق سیاسی را ضروری میکرد٬ موقعیت خطیری بود که رژیم اسلامی در آن قرار گرفته بود و امتیازات احتمالی ای که در پس این تحول برایش متصور بود. جایگزینی سیاست "رژیم چنج" در شرایط کنونی و خارج کردن "گزینه نظامی" از دستور از جمله مزایای یک توافق احتمالی بود.

اما در طرف دیگر٬ چرخشها اندکی پیشتر و با انتخاب اوباما عملا صورت گرفته بود. سیاستهای قلدرمآبانه و میلیتاریستی یک جانبه آمریکا در دوران بوش عملا به ته خط رسیده بود. شکست خود را نشان داده بود. سیاست "رژیم چنج" نه تنها به نتایج مورد نظر آمریکا منتج نشده بود بلکه به ضد خود تبدیل شده بود. برنده جنگ خونین آمریکا در عراق به میزان زیادی حکومت اسلامی و جریانات اسلامی بودند. نئوکانسرواتیوها پرچمدار زمخت این سیاستهای آمریکا بودند. اما این سیاست برای بخش مهمی از هیات حاکمه باعث انزوای این نیرو حتی در نزد نزدیکترین متحدین اروپایی اش شده بود. اوباما این چرخش سیاسی را با جایگزینی "مشتهای گره کرده" با دستان آماده فشردن بیان کرد. سایه جنگ عراق همچوم لکه سیاهی بر بالای سرشان قرار داشت. تلاش برای کسب موقعیت هژمونیک آمریکا در جهان کنونی و در پس شکست سیاستهای نئوکانسرواتیوها می بایست با روشهای جدید و متفاوت از گذشته دنبال شود. هیات حاکمه کنونی آمریکا بر این باور بود که کشیده شدن به طرف جنگ در ایران مخاطراتی بمراتب وسیعتر از فاجعه عراق می توانست برای آمریکا و متحدین اش به دنبال داشته باشد. (مخاطرات ناشی از چنین تقابل فاجعه آمیزی برای مردم و عقبگردهای سیاسی و اجتماعی ناشی از آن کوچکترین جایی در این معادله بازی نمیکرد) از این رو جلوگیری از ماجراجویی های دولت فوق دست راستی در اسرائیل گوشه ای از دستیابی به چنین توافقی بود.

چگونه با توهمات ایجاد شده پیرامون این بند و بست سیاسی باید برخورد کرد. واقعیت مادی زندگی توده های مردم زحمتکش گذرا بودن و پوچ بودن چنین توهمات را بسرعت برملا کرد. واقعیت همین دوره کوتاه پس از برجام مهر تاییدی بر سیاستهای ما بود. ما اعلام کرده بودیم که "برجام" قرار نیست لقمه نانی در سفره کارگر و مردم زحمتکش قرار دهد. قرار نیست گشایش سیاسی ای ایجاد شود. قرار نیست از اسلامی گری و بستن شمشیر خونین اسلام از رو کاسته شود. چنین تغییراتی تنها میتواند حاصل مبارزات مستقیم و متحدانه کارگر و مردم زحمتکش باشد. تنها میتوان با گرد آمدن به دور پرچم آزادی و برابری و رفاه همگان٬ با پیوستن به اردوی کمونیسم کارگری و پیشبرد پروژه این جنبش تغییرات چشمگیری در زندگی جامعه ایجاد کرد. راه دیگری نیست!

**انترناسیونال**: نقش و جایگاه جنبش آزادی و رهایی زن برای آزادی و برابری در ایران٬ انکار ناپذیر است. موقعیت این جنبش را چگونه ارزیابی میکنید؟ و چه تاکیداتی در این دوره در فعالیت حزب در این زمینه دارید؟

**مینا احدی**: جنبش برابری طلبانه زنان در ایران در حقیقت پاشنه آشیل این حکومت است. ما فقط در مورد یک جنبش برای بهبود موقعیت زنان و یا رسیدن به برابری با مردان حرف نمیزنیم، ما همچنین در مورد ماندن و یا رفتن یک حکومت زن ستیز اسلامی و در مورد موجودیت این حکومت حرف میزنیم. باید توجه کرد که این حکومت با حمله به زنان پا گرفت و موسمی با حمله کردن به دختران و زنان در خیابانها خود را محکم کرد و قدر قدرتی خود در مقابل کل جامعه را با شاخ و شانه کشیدن بر علیه زنان به رخ جامعه کشید. حالا در این زمینه حکومت و دهها دستگاه سرکوب و صدها آخوند و منبر و مسجد این حکومت در مقابل زنان زانو زده و قدرت کلام و ضرب شلاق و شمشیرشان عملا از کار افتاده است. این بسیار مهم است. سال گذشته سال پیشروی بیشتر این جنبش و سال تحکیم این موقعیت بود الان دیگر عمله و اکره حکومتی از بالاترین مقام تا پاسدار و حزب اللهی مزدور اساسا جرات نمیکنند رسما به زنان در خیابان حمله کند و همگی در کل خفقان گرفته اند. این تناسب قوای معینی را در رابطه زنان با حکومت ایجاد میکند که مهم است.

از سوی دیگر در ایران کماکان قوانین ضد زن است و زنان بسیاری قربانی بیکاری و بی پولی و فقر و مشکلات متعدد اقتصادی و سیاسی هستند. مبارزه برای ایجاد تشکل های زنان و یا مبارزه برای ساختن خانه های زنان و امکانات کمک به زنان در معرض خشونت، مبارزه برعلیه اسید پاشی و قتل ناموسی و مرد سالاری نهادینه در آن جامعه همه و همه عرصه هایی هستند که فعالین مدافع حقوق زن در آن جامعه برای متحقق کردن آن با موانع متعدد حقوقی و با سرکوب حکومتی دست و پنجه نرم میکنند.

حزب ما همواره در صف اول مبارزه برای دستیابی به حقوق انسانی زنان بوده و از جنبش مدرن و پیشرو و سنت شکنانه زنان دفاع کرده است. در دوره جدید ما باید به سازماندهی مبارزات زنان در عرصه های مختلف توجه کرده و در این عرصه ها کمک کنیم زنان و فعالین مدافع حقوق زن شبکه های متعددی را ایجاد کرده و عملا برای بهبود موقعیت زنان و دفاع از حقوق زنان گام بردارند، در عین حال بنظر من جنبش نقد مذهب و اسلام و بررسی تاثیرات مخرب این تفکر در زندگی زنان باید مورد توجه بیشتر ما و فعالین مدافع حقوق زن باشد.

در اینجا دوست دارم از مبارزات مادران و جنبش دادخواهی در ایران یاد کنم که در سال گذشته بسیار فعال بود و در ایران نمایندگی جنبشی را کرد که بسیار مهم است. مادرانی که فرزندان آنها به دست حکومت اسلامی به قتل رسیده اند، در ایران هزاران نفر هستند. اینها در یکسال گذشته با تجمع و برگزاری برنامه های متعدد و با ابراز وجود سیاسی اعلام کردند که پرچم دادخواهی میلیونها نفر در ایران را در دست دارند و از جنبشی دفاع میکنند که انتقام نمیخواهد و علیه اعدام است ولی خواهان محاکمه و عدالت و روشن شدن زوایای پنهان یک دستگاه جنایت سازمان یافته است.

**انترناسیونال**: تبیین و ارزیابی شما از پیشرفتها و کمبودهای حزب در سال گذشته چیست؟ چه تاکیداتی در این دوره فعالیت حزب دارید؟

**حمید تقوایی**: هدف سیاسی ای که حزب ما پیگیرانه دنبال میکند سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت یک انقلاب توده ای است. ما برای تقویت و متحد و منسجم کردن جنبش کارگری، تعمیق و گسترش اعتراضات و مبارزات جاری در جامعه، و شفاف و متعین و تقویت کردن هر چه بیشتر صف سرنگونی طلبی مبارزه میکنیم. این اساس فعالیتهای تبلیغاتی و سازمانگرانه و کارزارهای حزب در همه عرصه ها در داخل و خارج کشور را تشکیل میدهد و سال گذشته نیز از این قاعده مستثنی نبود.

در عرصه سیاست ایران سال گذشته سال توافق هسته ای و تشدید کشمکشهای باندهای حکومتی بر سر این مساله بود. نیروهای ملی اسلامی و به اصطلاح "اصلاح طلبان"، یا در واقع نیروهائی که خواهان حفظ نظام جمهوری اسلامی با تغییرات و مرمت کاریهائی در ظاهر آن هستند، تلاش کردند تا برجام را بعنوان داروی شفابخش بحران اقتصادی و نسخه معتدل و متعارف شدن حکومت به مردم بفروشند. حتی رسانه های دولتی غرب نظیر آیت الله بی بی سی برای دامن زدن به این توهم سنگ تمام گذاشتند. حزب ما فعال و پیگیر در برابر این عوامفریبی ایستاد. ما در تبلیغات گسترده ای از طریق تلویزیون کانال جدید، نشریات حزب و مدیای اجتماعی حقیقت این تحول را در برابر چشمان جامعه قرار دادیم. ما بر این واقعیت تاکید کردیم که برجام و رفع تحریمها بحران و فلج اقتصادی جمهوری اسلامی را حل نخواهد کرد و گرانی و فلاکت و بیکاری همچنان زندگی توده مردم را در چنگال خود خواهد فشرد. ما نشان دادیم که جمهوری اسلامی نه از نظر اقتصادی و نه از لحاظ سیاسی و فرهنگی نمیتواند متعارف و متعادل بشود. نشان دادیم سیاست تعامل و نزدیکی جمهوری اسلامی با غرب تحقق پذیر نیست و تنها میتواند به تشدید دعواها و کشمکشهای حکومتی منجر بشود. سیر اتفاقات و تجربه مردم در همین مدت چند ماهه ای که از برجام میگذرد بر صحت تحلیلها و تبلیغات حزب در مورد برجام و پیامدهایش مهر تائید زده است. اکنون علیرغم همه هیاهوها و تبلیغات مقامات و رسانه های داخلی و خارجی، برهمه معلوم شده است که ریشه مساله نفس موجودیت جمهوری اسلامی و اقتصاد مافیائی آنست. حزب ما در این روشنگری نقش موثری ایفا کرد.

رویداد سیاسی دیگری که در ماههای آخر سال گذشته به مرکز توجه رانده شد "انتخابات" بود. در برخورد به معرکه انتخاباتی ما مثل همیشه بر این واقعیت تاکید کردیم که در جمهوری اسلامی انتخابات نیز درست مانند اصلاحات مقوله ای پوچ و بی معنی است و مردم را به تعرض علیه بساط انتخابات و کل حکومت فرا خواندیم. در این مورد نیز بخش وسیعی از جامعه با عدم شرکت در انتخابات و بخشی، به اعتراف خود مقامات، با "رای سلبی" به حکومت نشان دادند که حتی معرکه انتخاباتی فرصت و بهانه ای برای نشان دان مخالفت و اعتراض اکثریت جامعه به وضع موجود است.

از نظر سازماندهی و فعالیتهای عملی هم حزب ما در سال گذشته پیشروهای متعددی داشت. یک ابراز موثر کار ما در این زمینه تلویزیون ۲٤ ساعته کانال جدید است. تلویزیون برای ما تنها یک تریبون تبلیغی نیست بلکه ابزار موثری برای ارتباط گیری با فعالین، دخالتگری در اعتراضات اجتماعی، و رهنموددهی عملی و سازماندهی حول سیاستها و اهداف حزب بشمار میرود. سال گذشته سال مطرح شدن بیشتر و گسترده تر کانال جدید هم بعنوان یک تریبون تبلیغی و هم یک ارگان ارتباطگیری با فعالین و و پیشبرد سیاستها و رهنمودهای عملی حزب بود.

ابزار دیگری که سال قبل بطورگسترده تر و فعالتری از گذشته برای دخالتگری در حرکتهای اعتراضی موجود و برای براه اندازی این نوع حرکتها به کار گرفتیم مدیای اجتماعی است. مدیای اجتماعی و در این دوره بویژه کانال تلگرام نقش مهمی در شکل دهی به حرکات اعتراضی در ایران ایفا میکند. و حزب و بویژه سازمان جوانان کمونیست، در عرصه های مختلفی این ابزار را بکار گرفته و پیشرویهای قابل توجهی داشته است.

در سطح منطقه و جهانی نیز حزب در برخورد به تحولاتی نظیر جنایات داعش و دیگر نیروهای اسلامی، موج وسیع پناهندگی بویژه از کشورهای اسلامزده و حرکت وسیع مردم اروپا در استقبال از پناهندگان و در مقابله با راسیسم و هم چنین پیشبرد کمپینها و مبارزات عرصه ای که از سالهای پیش در دستور کار ما بوده است فعال بود. ما بویژه در زمینه مرتبط کردن فعالیتها عرصه ای خارج کشور با داخل پیشرویهائی داشته ایم. بعلت گستردگی دامنه این فعالیتها پرداختن مشروح تر به فعالیتهای خارج کشوری حزب در اینجا ممکن نیست. خوانندگان علاقمند میتوانند به گزارشات هیات اجرائی به پلنومهای حزب در سال گذشته رجوع کنند.

در مورد کمبودها و نقطه ضعفها باید به مساله منطبق کردن فعالیتهای عملی وسازمانگرانه حزب با شرایط امروز و مکانیسمهای تازه مبارزه در قرن بیست و یکم اشاره کنم. ما در این زمینه از لحاظ نظری با تدوین و طرح سیاست سازماندهی حزب بر زمینه اعتراضات اجتماعی، بازشناسی و تاکید بر نیروی چپ اجتماعی و ضرورت مرتبط شدن با آن و تبیین شیوه های دخالتگری و گردآوری نیرو به گرد حزب و سیاستهای حزبی در دل جنبشها و حرکات اعتراضی گامهای اساسی ای بجلو برداشته ایم اما هنوز در سطح عملی فاصله زیادی با اجرای این سیاستها داریم. برای فائق آمدن بر این ضعف موانعی را باید از سر راه برداریم که به نظر من مهمترین آن سنتها و شیوه های قدیمی و متعلق بدوران گذشته است. این سنتها عملا هنوز بر دست و پای ما پیچیده است و یک وظیفه اساسی حزب در این دوره نقد و طرد عملی این سنتهای دست و پا گیر است. امیدوارم سال تازه برای حزب ما سال کنار زدن موانع و پیشرویهای بیشتر در همه زمینه ها باشد.